

## وسایل دفاع از چك در مراجع جزائی (اعتراض ناپذیر بودن چك)

مقصود از وسایل دفاع چنان و سایلی است که مستقیماً و بدون توسل بدعاوی دیگر قابل استناد بوده و صادر کننده چك بتواند در مقابل دارنده بعنوان «دفاع محض» در مراجع جزائی (دادسرا و دادگاههای کیفری) بآن اتکا کند. با این تعریف بدیهی است وسایل دفاع غیر مستقیم کیفری) از قبیل اقامه دعوی کلاهبرداری - خیانت در امانت و یا مدافعات مدنی از قبیل سقوط حق ، تهاتر و مالکیت مافی الذمه و طبعاً آنچه احتیاج بدعاوی طاری داشته باشند خارج از بحث میباشد .

با آنکه موضوع مقاله همانطوریکه از عنوان آن برمیآید بدفاع در مراجع جزائی تعلق دارد و علی الاصول نمیتواند بجنبه مدنی چك متوجه باشد معذک چون بدون تأمل و تعمق در اهمیت بازرگانی چك و نقش آن در مبادلات اقتصادی عصر ما درك صحیح جنبه های مخصوص کیفری مقدور نیست بعلاوه امتیازات موجود در چك و بررسی مجموع آنها با درك «اعتراض ناپذیر بودن چك» کمک نموده و علت تشریح احکام شدید العمل کیفری را توجیه میکند لذا اجازه میخواهد از جنبه مدنی چك که محتوی پیشینه تاریخی و سیر تکاملی آن است و طبعاً از موضوع مقاله نمیتواند جدا باشد بحث نماید .

اینک مختصری از سیر تکاملی چك :

چك در حقوق ما بعنوان «يك سند» همزمان با تصویب قانون تجارت داخل میگردد. نخستین مطلبی که در خصوص چك میبایست بدانیم اینست که چك با آنکه خود يك تأسیس جدید حقوقی است معذک از اقسام تأسیسات جدید حقوقی از قبیل بیمه - کمیسیونری - حمل

و نقل و قائم مقام تجاری نبوده بلکه سند و نوشته است ، سندی مستقل ، مستقل از منشاء صدور خود . توضیح آنکه تا قبل از ورود اسناد تجاری ( برات ، سفته ، چک و غیره ) بحقوق ما در قلمرو حقوقی ما سند نقش مستقلی نداشت و بعبارت بهتر ما سند مستقل از عقد نداشتیم بلکه اسناد همیشه بمنوان دلیل اثبات عقود و ایقاعات بکار می رفتند و اثبات کننده آنچنان عمل حقوقی بودند که برای استقرار همان بوجود آمده بودند لیکن بعد از تصویب قانون تجارت ، ما دارای اسنادی هستیم که فی نفسه و بالذات دارای ارزش هستند و ارزش آنها ارزش استقلالی است نه ارزش تبعی .

مطاب دیگریکه دانستن آن در خصوص چک ضرورت دارد تحولات و تطوراتی است که چک بعدها پدید آمده است و بالاخره آخرین موضوع بخش مدنی دوگانگی چک و عمل حقوقی منشاء آنست . بنا براین بخش مدنی چک شامل سه قسمت میشود .  
اول - تعریف اولیه چک و تحولات و تطورات بعدی آن دوم - ماهیت استقلالی چک - بمنوان سند تجاری انتزاع آن از منشاء صدور سوم - توجیه دوگانگی چک و عمل حقوقی .

## بخش مدنی

### قسمت اول - تعریف اولیه چک و تحولات بعدی آن

۱- مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت «چک نوشته ایست که بموجب آن صادر کننده و جوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا بدیگری واگذار مینماید .»  
چنانکه ملاحظه میشود در قانون تجارت ۱۳۱۱ چک نوشته ای است که بمهده هر محال علیه میتواند صادر نمود و تنها شرط آن اینست که محیل و جوهی نزد محال علیه ، داشته باشد .

چک: در حقوق ما اول بار با اقتباس از تعریف قانونی حقوق فرانسه تدوین و بضمیمه اسناد تجاری دیگر جزء ابواب و فصول قانون تجارت تصویب میگردد . در حقوق فرانسه چک از رویه معمول و متداول انگلیس اقتباس لیکن این اقتباس پس از آنکه تقریباً شصت سال از عمر قانون تجارت آن ممالک میگذرد انجام میگردد .

قانون تجارت فرانسه در سال ۱۸۰۷ تصویب میشود و حال آنکه اولین قانون راجع به چک در حقوق آن مملکت در سال ۱۸۶۵ تدوین میگردد .

بنا براین توجه باین نکته لازم است که چک در حقوق فرانسه نسبت با اسناد دیگر تجاری ( برات ، سفته ) از تأسیسات جدید بوده و بعداً با آنها مخلق گردیده است و تا زمانی که چک هنوز پا بر صه وجود نگذاشته بود از برات بجای چک استفاده میشد این صفت جانشینی چنان بوده و هست که هم اکنون ، در حقوق انگلیس و آمریکا در تعریف چک میگویند :

چك عبارت است از «برات بررؤیتی که عهده بانك صادر شده باشد» .

این تعریف اگر در حقوق انگلیس درست باشد در حقوق ما صحیح نیست زیرا تفاوت اساسی برات با چك در اینست که برات میتواند بطلب یا اعتبار تکیه داشته باشد و حال آنکه صدور چك در حال حاضر محتوی هیچگونه فکر اعتباری نیست و در حقوق ما بشرحی که در جای خود گفته خواهد شد اساساً متکی به «وجه» میباشد یعنی حتی باستناد طلب نمیتوان چك صادر کرد .

اما تحولات و تطورات چك در حقوق ما :

بطوریکه ملاحظه شد در اولین قانون راجع به چك صدور آن عهده «هر محال علییه» ممکن و پیش بینی شده بود . در قوانین بعدی که تحت عنوان «چك بیمحل» تصویب شد قدرت لازم الاجرا بودن چك و ضمانت اجرای جزائی مطمئن تر از سابق را بآندسته از چكها داده اند که عهده بانك یا موسسات اعتباری دیگر صادر شده باشد و در قوانین موخر «موسسات اعتباری» را حذف و فقط به چكهای عهده بانكها مزایای مذکور را اعطاء کرده اند .

اینك قوانین مذکور و تغییراتی که در قوانین قبلی داده شده :

الف - در ماده ۱ لایحه قانونی چك بیمحل مصوب ۱۳۳۱ راجع به لازم اجراء بودن چك و تأمینات و تضمینات اجرائی آن چنین گفته شده است :

«چكهای صادره بعهد بانك ملی ایران یا سایر بانكها و موسسات اعتباری مجاز»

بطوریکه ملاحظه میشود این قانون با قانون ۱۳۱۱ از لحاظ محال علییهی که میتوان عهده آن چك صادر نمود اختلاف دارد باین توضیح که در قانون ۱۳۱۱ عهده هر محال علییهی ممکن بود چك صادر کرد لیکن این قانون بدون آنکه قانون سابق را نسخ کند مزایای مقرر در قانون اخیر را به چكهای صادره عهده محال علییهی که بانك یا موسسه اعتباری باشد منحصر نمود نتیجتاً در خصوص رابطه دو قانون مذکور یا باید قائل بنسخ باشیم و یا هر دو قابل اجرا بدانیم و چون بنظر نگارنده این دو قانون مانع الجمع نیستند ضرورتاً هر دو قانون قابل اجرا هستند و لذا از زمان تصویب این قانون به بعد دو قسم چك خواهیم داشت «يك قسم چكها ئیکه عهده محال علییه غیر مشخص صادر میگردد» و «قسم دیگر چكها ئیکه عهده بانك و موسسات اعتباری صادر میشود» .

بدیهی است که قسم اخیر نیز خود بدون نوع (بانك و موسسات اعتباری) تقسیم میشود .

ب - این قانون بعدها از بین رفت و قانون ۱۳۳۷ جانشین آن گردید بموجب این قانون چكهای صادره بانك ملی ایران و سایر بانكها ئیکه طبق قوانین دایر شده یا میشوند دارای مزایای مذکور هستند .

پس از زمان این قانون به بعد فقط دو نوع چك خواهیم داشت . چكهای عهده بانك و چكهای عهده اشخاص ناممین (طبیعی یا حقوقی) رابطه این قانون با قانون ۱۳۱۱ بنظر نگارنده به همانگونه است که قبلاً و در فراز اول گفته شد .

پ -- قانون چك بیمه محل ۱۳۴۴ -- این قانون هیچ تغییری در اقسام چك نداده است زیرا ماده اولش که منضم تریف چكهای است که دارای مزایای مذکور هستند عیناً همان ماده اول قانون ۱۳۳۷ میباشد .

نتیجه اینکه در حال حاضر دو قسم چك بشرح مذکور در فراز اول داریم ، چكهای عهده بانك و چكهای عهده اشخاص ناممین . نهایتاً چكهای عهده اشخاص ناممین فاقد مزایای چك بیمه محل بوده و مشمول مقررات چك مندرج در ماده ۳۱۰ قانون تجارت میباشد محتاج بتذکر میداند که اگر در عمل بیش از يك نوع چك وجود ندارد این مسئله جدا از امر قانونی و حقوقی است زیرا در حقوق ما اجازه صدور چك عهده هر محال علیهی داده شده و مادام که ماده ۳۱۰ قانون تجارت نسخ نشده امکان صدور این قبیل چكها از نظر حقوقی منتفی نیست .

## قسمت دوم - ماهیت استقلالی چك بعنوان يك سند تجارتي

۲) - بطوریکه سابقاً گفته شد چك از مستحدثات جدید حقوقی است و یکی از اقسامی است که بعدها با سناد تجاری (برات و سفته) اضافه شده است چك اساساً از کنار برات جدا شده است یعنی وقتی برات در عمل انواع و اقسام مختلف (از نظر روابط محیل و محال علیه و محال) پیدا میکنند و مواردی یافت میشود که محیل بنمایند خود و کالت در وصول وجه از محال علیه میدهد و در واقع محیل و محال يك شخص میگردد و یا برات دیگری برای استفاده از اعتبار نبوده و منضم هدف جا بجا کردن وجه میگردد لاجرم برات انواع و اقسام می یابد و از کنار آن چك متولد میشود .

بنا بر این وقتی چك را زائیده برات میدانیم مانند آن ماهیت استقلالی دارد یعنی جدا از منشاء صدور خود و اجد ارزش است و ارزش آن بعنوان دلیل اثبات عمل حقوقی نیست بلکه «خود محتوی حقوق متجسم در آن میباشد» و از آنجا که جهات تشابه چك و برات سبب تسری احکام برات بچك گردیده و در خصوص ماهیت استقلالی برات و انتزاع آن از منشاء صدور باندازه کافی نصوص قانونی وجود دارد (مواد ۲۳۰ و ۲۴۹ و غیره) و این نصوص

بحکم ماده ۳۱۴ قانون بازرگانی اصلی که ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی مستقر ساخته حاکم بر چک نیز میباشد بنابراین با توضیح مختصری از جهات تشابه چک و برات از این قسمت میگذرد.

اینک جهات تشابه:

- الف - چک و برات از یک خانواده بوده و هر دو از اسناد تجاری هستند.
- ب - چک و برات هر دو از طرف محیل تهیه محال علیه صادر میشوند الزمیه چک چون بدون سررسید است بمنزله برات برریت میباشد.
- پ - چک مانند برات برای جابجا کردن پول مورد استفاده واقع میشود.

## قسمت سوم - دوگانگی چک و عمل حقوقی

۳) - در بحث راجع بچک مشکل ترین قسمت، تطابق چک (بمنوان نوشته یعنی دلیل وقوع عمل حقوقی) با عمل حقوقی منطبق بآن میباشد در حقوق ما عمل حقوقی که با چک میتواند بدایتاً مطابقت کند «حواله» است ظاهر تعریف حواله چنان است که میتواند بچک منطبق گردد زیرا:

الف - اصطلاحات بکار رفته در چک و حواله از قبیل محیل و محال علیه واحد است.

ب - چک مانند حواله اغلب سه طرف دارد یعنی سه نفر در تحقق آن مداخله دارند.

پ - در چک مانند حواله تعهد محیل بعد از صدور بعهده محال علیه واگذار میشود.

با تمام این مراتب که در بعضی موارد بوحثت میگردید معذک دقت در ماده ۷۲۴ قانون مدنی که تعریف حواله را بیان مینماید نشان میدهد که چک با حواله منطبق نمیکرد زیرا در چک «وجود» نزد محال علیه منتقل میگردد و در حواله طلب محال جابجا میشود یعنی از ذمه مدیون (محیل) بذمه محال علیه انتقال مییابد و چون در چک لازم نیست که کشنده مدیون محال باشد بلکه ممکن است چک بلاعوض بوده و یا ما بازاء معاملات صرافی باشد بنابراین چک با حواله از حیث ارکان اساسی اختلاف پیدا میکند خاصه آنکه ماده ۷۲۶ قانون مدنی میگوید:

«اگر در مورد حواله محیل مدیون محال نباشد احکام حواله در آن جاری نخواهد بود».

پس وقتی دین مجبیل جزء ارکان اساسی حواله بوده و در چک چنین قیدی ضرور نباشد واضح است که چک غیر از حواله میباشد یعنی چک نمیتواند دلیل اثبات حواله تلقی گردد در این صورت باید به بینیم چک چیست؟ عمل حقوقی است یا سند اثبات کننده اعمال حقوقی یا بعنوان سند تجاری ماهیت مستقل دارد؟

در باره آنکه چک نمیتواند عمل حقوقی مستقلی باشد تردیدی نیست. زیرا قانونگذار در ابتدای تعریف گفته است «چک نوشته‌ای است»، پس این قسمت نیاز بتوضیح ندارد و دلیل آنکه چرا با هیچیک از اعمال حقوقی ما نیز مطابقت نمیکند بتفصیل توضیح شد لذا میماند اینکه «چک ماهیت استقلالی داشته و یکی از اقسام اسناد تجاری تلقی شود» و برای این تقدیر با استفاده از برهان خلف معلوم میشود که جز آنکه چک ماهیت مستقل داشته و یکی از اقسام اسناد تجاری باشد شق دیگری وجود ندارد. ضمناً توجه باین نکته را لازم میدانند که یکی از جهاتیکه اسناد تجاری را مستقل از منشاء صدور تلقی مینمایند همین امر است زیرا در قلمرو حقوق سندی یا باید ماهیت استقلالی داشته یا دلیل اثبات کننده یک عمل حقوقی تلقی گردد و وقتی هیچ عمل حقوقی نتواند سند یا اسنادی را در بر گیرد لاجرم جز آنکه ماهیت مستقل بآن سند داده شود چاره‌ای نیست و در چنین صورتی منزع گردیدن از منشاء صدور جزء لوازم قطعی و حتمیه استقلال سند میباشد و باین سبب است که حقوقدانان بزرگ فرانسسه مانند ریپرو و هامل و لاگارد میگویند:

«اقسام مختلفه طلب در سند متجسم میگردد و بآن جریان مییابد» و یا «تامین آنیکه یک سند تجاری ارزش دارد طلب متجسم در آن را کد میشود».

و یا حقوقدان بزرگ آلمانی (انر) میگوید کسیکه براتی صادر مینماید در حقیقت

### یکنوع پول منتشر میسازد

و یا ماده ۲۳۰ قانون تجارت خودمان که قبول کننده برات را در هر صورت و کیفیت علی-الاطلاق ملزم بتأدیه وجود آن میسازد متکی بچنین تئوری است.

بطور خلاصه باتکیه بچنین مبانی باید گفت که پس از انتشار یک سند تجاری حقوق را جمعه بآن نه فقط در سند متجسم میگردد بلکه آن حقوق با سند مشتبه شده و از لحظه انتشار سند به بعد دیگر متعلقات آن حقوق هیچ تغییر و تبدیلی نمی‌پذیرند و خصوصیات مادی و مصادیق خارجی آن حقوق درست نقش پشتوانه اسکناس را نسبت بآن سند پیدا میکنند.

اکنون که تا اندازه‌ای ماهیت حقوقی چک و اهمیت آن از جنبه مدنی و بازرگانی روشن شد بتوضیح قسمت کیفری مقاله میپردازد:

## بخش کیفری

در بخش کیفری از آنچه مناسب با موضوع مقاله میباشد با اختصار بحث خواهد شد.

(۴) - بموجب ماده ۳۱۰ مذکور چك نوشته‌ای است که بموجب آن محیل و جوهی را که نزد محال علیه دارد بدیگری واگذار میکند اگر توجه شود که قانونگذار در تعریف مذکور ما می‌الذمه محال علیه را بلفظ « وجوه » بیان کرده در می یا بیم که با صدور چك « محل آن » یعنی « وجوه » نزد محال علیه از حین صدور بمحتمال منتقل میگردد نتیجه اینک:

الف - بشرحیکه قبلاً گفته شد چون « وجوه » نزد محال علیه بمحتمال منتقل گردیده لاجرم از طرف محیل دیگر هیچ معامله و نقل و انتقالی را نمیتواند تحمل کند و این همان خاصیت راكد شدن متعلقات حقوقی متجسم در يك چك است.

ب - محیل باتکاء طلب یا اعتباریکه محال علیه باو داده نمیتواند چك صادر کند زیرا آنها هنوز بصورت وجه در نیامده‌اند و تنها هنگامی چك میشود صادر کرد که طلب یا اعتبار بصورت « وجه » درآمده باشد. رویه‌های بانکی در مقام تفویض اعتبار مبتنی بچنین تئوری میباشد.

پ - فلسفه تعیین مجازات و تعقیب صادرکننده چك بيمحل از همین جا ناشی شده یعنی چون حسب تعریف ماده ۳۱۰ کسی میتواند چك صادر کند که « وجه » نزد محال علیه داشته باشد. بنا بر این صادرکننده ایکه « وجه » نزد محال علیه نداشته و با تهید و سائل متقلبانه (داشتن وجه) گیرنده را مغرور کرده باشد می‌باید تعقیب شود ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات و قوانین بعدی چك بيمحل که جنبه کیفری دارند زائیده همین اصل میباشد.

لازم بتوضیح میداند که در نسخ ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی يك بی‌توجهی مهم بمبانی و اصول شده است زیرا چنانکه عرض شد مادام که ماده ۳۱۰ قانون تجارت وجود دارد امکان صدور چك علیه محال علیه غیر از بانك ممکن است و وقتی در قانون چك بيمحل ۱۳۴۴ فقط برای صادرکننده چكهای بيمحل عهده بانكها کیفر پیش بینی شده است و ماده ۲۳۸ مکرر صراحة نسخ ولیکن حق صدور چك بيمحل عهده اشخاص دیگری غیر از بانك از ماده ۳۱۰ نفی نگردیده لازم می‌آید که چك بيمحل عهده اشخاص دیگری غیر از بانك بدون کیفر بمسند چه درست است که چك عملاً جز عهده بانك صادر نمیشود و لسی هر گاه کسی عهده محال علیه دیگر صادر کرد و بيمحل در آمد آنوقت این اشکال پیش می‌آید که قانون برای مجازات چنین محیلی وجود ندارد. و از آنجا که نمیتوان حدس زد قانونگذار عالماً عامداً کیفری را که

مدت ۳۰ سال (ماده ۲۳۸ مکرر ۱۳۱۴ تصویب شده است) وجود داشته اکنون که کیفر صادر کننده چک بيمجل را تشدید میکند الغاء کرده باشد بنابراین بی دقتی قانونگذار در این قسمت اظهار من الشمس است.

(۵) - ماده ۳ قانون چک بيمجل ۱۳۴۴ تنها سه مورد معافیت پیش بینی کرده است باین معنی که دفاع صادر کننده چک بيمجل را در سه مورد قابل استماع دانسته و در بقیه موارد دفاع وی از نقطه نظر جزائی ترتیب اثر نداده است و این بدان جهت است که قانونگذار میخواسته چنان اعتبار و اهمیتی بچک بدهد که پس از صدور، هر واقعه حقوقی که در روابط دارنده و صادر کننده روی دهد در چک بی تأثیر بوده و وجه آن تحت هر شرط و کیفیتی قابل پرداخت باشد بعبارت دیگر اعتبار چک پس از صدور و تسلیم بدارنده غیر قابل برگشت بوده و حتی عدم استحقاق دارنده در خارج از موارد سه گانه مزبور نتواند پرداخت وجه آنرا متوقف نماید. شاید در بادی امر این توجیه بنظر درست نباید اما توجه بعلت وجودی چک و نظامات اقتصادی و اینکه چک را مقنن بمثابه وجه دانسته رفع اشکال میکند.

اما موارد سه گانه ای که قانونگذار دفاع صادر کننده را پذیرفته در واقع مواردی است که یا صاحب چک اساساً چک صادر نکرده و یا اگر هم خود صادر کرده بدارنده تسلیم ننموده یعنی در هیچیک از موارد بالا دارنده چک را از دست صادر کننده نگرفته و خود آنرا تحصیل کرده است چنانکه ماده مذکور اشعار میدارد سه مورد مذکور عبارت از «گم شدن و سرقت و جعل چک» میباشد. بنابراین واضح است که در تمام فرض سه گانه صادر کننده چک را بدارنده نداده بلکه این دارنده بوده که چک را بدست آورده است پس وقتی از میان ده موارد عدم استحقاق قانونگذار فقط در سه مورد بالا دفاع کشنده چک را قابل استماع میدانند این توجه پیدا میشود که اولاً - فقط در سه مورد مذکور دعاوی متهم بعنوان دفاع پذیرفته میشود ثانیاً - مسئله مهمی میباشد اساس تشریح این حکم باشد.

بطوریکه ملاحظه میشود موارد سه گانه نامبرده يك صفت مشترك و يك وجه فارق با موارد دیگر عدم استحقاق دارند وجه مشترك آنها عبارت از اینست که در هیچیک از آن موارد کشنده رأساً و بدست خود چک را بدارنده نداده است و وجه فارق آنها با موارد دیگر عدم استحقاق اینست که در آن موارد صادر کننده رأساً و بدست خود چک را بدارنده میدهد فی المثل در مورد امانی بودن چک و یا تها تر قهری چون چک بطریق صحیح بدست دارنده داده میشود لذا اعتبار و اهمیت چک مقنن آنست که وجه آن تأدیه شود النهایه کشنده میتواند دارنده بدون استحقاق را حسب المورد جزائاً و یا حقوقاً تعقیب و حقوق خود را استیفاء نماید قطع نظر از این هر گاه قانونگذار جهات دیگر عدم استحقاق را جزء موارد سه گانه پیش بینی نموده بود چون تمامی آن جهات و دفاعات راجع بآنها جنبه حقوقی دارند اجباراً دادسرا و دادگاه جزا عرصه مدافعات و مشاجرات حقوقی میگردد و حال آنکه اولاً - مراجع جزائی وسایل رسیدگی



بامور مدنی را ندارند و ثانیاً بنا بمناط ماده ۱۷ آئین دادرسی کیفری (افاطه) ممنوع از آن میباشند.

(۶) - ماده ۴ قانون چك بیمل ۱۳۴۴ با حکم عام و مطلقى که نسبت بصادر کننده چك بیمحل انشاء نموده و با تفسیریکه از بیمحل بودن (یا بقول ماده عدم پرداخت) بدست داده کشنده چك را که وجه آن پرداخت نشود تحت شرط و کیفیت مجازات نموده است. عموم و اطاق ماده ۴ که هر عدم پرداختی را بهر عنوانی که باشد مشمول مجازات قرار داده مؤید این نظر است که قانونگذار فقط سه وسیله دفاع برای معافیت صادر کننده از مجازات با اختیار او گذاشته است و در خارج از آن هیچ عدم تأدیه ای را تحت هیچ دلیل و برهان ولو صحیح و درست باشد موجب نجات صادر کننده از کیفر عدم پرداخت نمیداند.

(۷) - دلیل دیگر صحت این نظریه کیفر اضافی ماده ۸ قانون مذکور است این ماده مدعی را (مدعی ادعای فقدان، سرقت و جعل) که دعوی عدم پرداخت او باطل باشد علاوه بر کیفر چك بیمحل بکیفر اضافی محکوم کرده است از توجه باین ماده معلوم میشود که هر گاه در مقابل چك و دعاوی دیگری مثلاً دعوی (امانت) پذیرفته میشد لاجرم یا ماده ۸ بطور عام و مطلق انشاء میگردد و یا مقنن بنحود دیگری سایر موارد را منظور قرار میداد و چون ماده مذکور بسا صراحت توهم هر تفسیر دیگری را مردود میسازد لذا مسلم است که در مقابل چك جز بسه عنوان مذکور نمیتوان از تأدیه وجه تملک و بوسایل دفاعی در دادسرا متوسل گردید.

از توجه بمجموع آنچه در بخش مدنی و کیفری گفته شد معلوم میگردد که چك اولاسند مستقل تجاری است ثانیاً در مراجع جزائی اعتراض ناپذیر است و جز دعوی جعل و سرقت و مفقود گشتن را بعنوان دفاع تحمل نمیکند.